

گزارش یازدهمین نشست انجمن علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس^۱

«قانون پیشگیری از جرم؛ از تدوین تا تصویب»

مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۲

سخنرانان:

۱- دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۲- دکتر عباس شیری؛ استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۳- دکتر محمد فرجیها؛ دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

^۱ این گزارش توسط مرتضی عارفی (دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس) گردآوری شده است.

مقدمه:

لایحه قضائی پیشگیری از وقوع جرم که در جلسه ۲ مرداد ۱۳۸۴ به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت‌وزیران رسیده بود در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۸۷ از سوی معاون اول رئیس‌جمهور برای بررسی و تصویب، به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. این لایحه در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۸ در قالب ۱۰ ماده در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. شورای نگهبان در تاریخ ۲ خرداد ۱۳۸۸ تقریباً همه مواد این لایحه را مغایر قانون اساسی اعلام کرد و لایحه را برای رفع مغایرت‌های اعلام‌شده به مجلس شورای اسلامی عودت داد. کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس در اظهارنظر مورخ ۱۷ آذر ۱۳۸۸ بر مصوبات پیشین خود اصرار و مراتب را به رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. نهایتاً مجلس، در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۹۰ آن را تصویب و در اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع کرد.

نهایتاً مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه روز شنبه مورخ ۱۴ شهریور ۱۳۹۴ مواد ۱ و ۲ این قانون و در جلسه روز شنبه ۲۱ شهریور، مواد ۳ تا ۶ این قانون را تصویب نمود تا در نهایت، لایحه قضائی ۱۰ ماده‌ای مصوب سال ۱۳۸۴ هیئت‌وزیران با تغییراتی بسیار در قالب ۶ ماده، پس از ۱۰ سال به تصویب برسد. در این نشست، ابتدا دکتر نجفی ابرندآبادی به تحلیل و نقد ۴ ماده از قانون پرداختند. در ادامه، دکتر شیری سوابق ۱۰ ساله این قانون و فراز و نشیب‌های طی شده را بیان کردند. همچنین دکتر فرجیها به بیان اظهارات خبرگان قانون اساسی در خصوص اصل ۱۵۶ و مشخصاً بند ۵ آن و همچنین لوازم و اقتضائات تدوین برنامه‌های پیشگیری از جرم اشاره کردند.

*آقای دکتر نجفی ابرندآبادی: تعریف غیرعلمی از مفهوم پیشگیری/ کثرت اعضای شورای عالی پیشگیری و غیبت نهادهای جامعوی در این شورا

به عنوان مقدمه می‌بایست گفت که پیشگیری از جرم اعتبار یک اصل قانون اساسی را به خود گرفته است، یعنی تکلیف مؤسسان و خبرگان قانون اساسی، خطاب به قانون‌گذار و قوه قضائیه است و اینجاست که ما می‌توانیم از قانون‌گذار و همچنین قوه قضائیه سؤال کنیم چرا بعد از گذشت بیش از ۳۵ سال، تکلیف بند ۵ اصل ۱۵۶ به اجرا در نیامده است! بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» را از جمله وظایف قوه قضائیه می‌داند.

سؤال مهم این است که چرا اهتمام قانون‌گذار به اجرائی کردن بند ۵ اصل ۱۵۶ به‌اندازه بند ۴ نبوده است. به دیگر سخن، چرا قانون‌گذار در تقنینی کردن بند ۴ اصل ۱۵۶ که راجع به مجازات و جنبه کیفری و قهرآمیز بوده سریع اقدام نموده است اما پیشگیری از جرم را همچنان معطل گذاشته است.

پیشگیری یک بحث فنی است و نیازمند رجوع به کارشناسان است، اما گرفتاری ما در علوم انسانی برخلاف سایر رشته‌ها، این است که همه در این حوزه می‌توانند صحبت کنند.

جرم و بزهکاری یک پدیده اجتماعی و مربوط به همه زمان‌ها و امکان است، اما گاهی در بعضی از جوامع، جرم را امری ایدئولوژیک یا امنیتی می‌دانند و چون رویکرد، امنیتی است راهکارها یا سیاست جنایی هم که در این زمینه ارائه می‌شود جنبه امنیتی به خود می‌گیرد؛ این در حالی است که امیل دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی بیان می‌دارد که جرم پدیده‌ای بهنجار و نرمال است، بنابراین با توجه به این برداشت از پدیده مجرمانه و نگاه آسیب شناسانه و نه امنیتی به جرم، جرم‌شناسی به جای بحث از حذف جرم، صحبت از کاهش جرم می‌کند. بنابراین ما، در ایران نیز باید قبول کنیم که جرم پدیده‌ای اجتماعی است لذا باید آمار و اطلاعات راجع به بزهکاری و مصادیق آن را عرضه کنیم، درست است که مجرمین محصول رفتار ما، خانواده و مسئولین هستند، اما چرا ما در کشورمان، اطلاع درستی از آمار جرم نداریم و همواره از آمار کشورهایمانند آمریکا و فرانسه صحبت می‌کنیم و این همان نتیجه نگاه امنیتی به جرم است لذا باید مسئولین، آمار جرم را منتشر کنند تا تحلیل‌ها از حالت انتزاعی فاصله بگیرد و مبتنی بر مطالعات آماری باشد.

*چهار ماده لایحه پیشگیری از جرم که توسط آقای دکتر نجفی مورد نقد قرار گرفت:

ماده ۱:

متن ماده ۱ عبارت است از آنکه:

پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن.

به نظر استاد نجفی این تعریف کارشناسانه نیست، صدر ماده و عبارات پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی، مسبوق به پیشگیری و در واقع از لوازم اقدامات پیشگیرانه هستند.

بنابراین یکی از تعاریف پیشنهادی که می‌توان از پیشگیری ارائه داد این است:

مجموعه تدابیر و اقدامات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و وضعی (اقدامات غیر قهرآمیز) است که جامعه برای پیشگیری از جرم با مطالعات مسبق به مطالعات جرم‌شناختی اتخاذ و اجرا می‌کند.

ماده ۲: در ماده دو ۲۲ یا ۲۳ نفر به عنوان شورای عالی پیشگیری از جرم انتخاب شده‌اند که این تعداد، از یک‌سو برای شورای عالی پیشگیری از جرم زیاد است و حضور برخی از نهادها یا اشخاص به عنوان عضو ثابت مانند وزیر اطلاعات، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی، وجود چند عضو از قوه قضائیه (نظیر معاون اول رئیس قوه قضائیه و دادستان کل کشور) یا فرمانده نیروی مقاومت بسیج ضرورتی ندارد چراکه

مطابق با تبصره ماده ۲، دبیر شورا می‌تواند به تناسب موضوعات مطروحه از صاحب‌نظران، کارشناسان و نمایندگان دیگر نهادها و سازمان‌ها دعوت به عمل آورد.

و از سوی دیگر حضور نهادهای جامعه‌ی و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) در اینجا خالی است.

به تعبیر استاد نجفی پیشگیری، امری اجتماعی و نیازمند کار اجتماعی، فرهنگی و تدابیر و اقدامات ملایم است و وجود این تعداد از اعضای نهادهای رسمی آن‌چنان‌که در ماده ۲ آمده است لازم نیست؛ در مقابل حضور نهادهای مدنی، اساتید حوزه و دانشگاه، صاحب‌نظران حقوق جزا و جرم‌شناسی در ماده ضروری است درحالی‌که ماده ۲ به این اعضا اشاره نکرده است.

ماده ۳: آقای دکتر نجفی به بندهای ماده ۳ ایرادات نگارشی و ماهوی وارد دانستند.

از جمله بند ۳-۳ از گسترش فرهنگ به صورت مطلق صحبت کرده درحالی‌که می‌بایست به فرهنگ پیشگیری اشاره می‌کرد و از طرفی، وجود کلمات مردم و نهادهای غیردولتی در یک‌بند تکراری است و بهتر بود به‌طور کلی به مشارکت جامعه مدنی در امر پیشگیری اشاره می‌شد.

در بند ۳-۵ علاوه بر ایراد نگارشی، بین دو مفهوم خلط صورت گرفته است:

باید توجه داشت اصلاح مجرمین، پیشگیری از تکرار جرم است در حالی که مفهوم پیشگیری از جرم در این قانون، همان پیشگیری اولیه است و به تعبیر دیگر باید مفهوم پیشگیری از جرم از مفهوم پیشگیری از تکرار جرم تفکیک شود. پیشگیری از تکرار جرم که در جرم‌شناسی بالینی از آن بحث می‌شود از درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که ضرورت دارد شورای عالی پیشگیری از تکرار جرم نیز تأسیس شود.

ماده ۴ بیان می‌دارد: «مصوبات شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم صرفاً با توافق و امضای سران سه قوه در چارچوب قوانین، لازم‌الاجرا می‌باشد».

بنا به نظر دکتر نجفی، وجود این ماده یعنی توافق و امضای سران سه قوه، بدعت و کاملاً خلاف قانون اساسی است چراکه سران سه قوه چگونه می‌توانند جایگزین قوه مقننه شوند و یک مصوبه را تصویب و اجرایی کنند.

از نظر آقای دکتر نجفی می‌بایست قانون‌گذار در متن ماده قائل به تفکیک می‌شد بدین معنا که به مناسبت و با توجه به محتوای متن تصویبی، مصوبه توسط خود رئیس شورای عالی برای اجرا به دولت ابلاغ شود ولی در مواردی که مصوبه، حاوی ضرورت انجام اقدامی اجرائی است یا در قلمرو حقوق و آزادی‌های شهروندان وارد می‌شود، موضوع در مجلس رسیدگی شود و به صورت قانونی درآید.

به عبارت دیگر شورا دو مصوبه می‌تواند داشته باشد که ماده می‌بایست این دو حوزه را تفکیک می‌کرد:

نخست: مواردی نظیر برنامه‌های پژوهشی و تحقیقاتی و اصلاح آمار، با امضای رئیس شورای عالی پیشگیری (رئیس قوه قضاییه)، برای نهادهای دیگر لازم‌الاجرا دانسته شود.

و دوم: در مواردی که شورا سعی در تحدید حقوق و آزادی‌های مردم دارد ورود به این امر از سوی شورا فاقدِ وجاهت است و ضروری است تا مصوبه در مجلس شورای اسلامی تصویب و تأیید گردد.

*سخنان آقای دکتر شیری: فقدان مقدمه توجیهی قانون پیشگیری/ تشریفات بودن شورای عالی پیشگیری

آقای دکتر شیری ابتدا به بحث راجع به سوابق لایحه پرداختند و از نشست‌ها و میزگردهایی که در ارتباط با لایحه با حضور ایشان و سایر اساتید برگزار شده و مجموعه مقالاتی که فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم نیز چاپ شده است صحبت نمودند؛ اما از این مسئله که در تدوین لایحه از این نشست‌ها استفاده نشده و نتیجه‌چندانی نداشته است احساس غبن نمودند.

ایشان بیان داشتند زمانی که لایحه اولیه تنظیم شد نگاه تدوین‌کنندگان لایحه این بود که پیشگیری از جرم طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی بر عهده قوه قضاییه است، از نظر دکتر شیری مقوله پیشگیری جامع‌تر از آن است که در وظایف قوه قضاییه قرار بگیرد و آنچه در این بند آمده است اشاره به وظایف اختصاصی قوه قضاییه دارد که مربوط به پیشگیری کیفری است در نتیجه اگر ما راجع به سایر موارد پیشگیری صحبت کنیم این‌ها به لحاظ موضوعی از صلاحیت قوه قضاییه خارج است.

به نظر استاد شیری تدوین‌کنندگان اول و دوم تأکید کرده بودند که این لایحه در راستای بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به تصویب می‌رسد در حالی که این جای نقد دارد و باید به اصول دیگر قانون اساسی در این مورد توجه می‌شد.

در لایحه دوم، تدوین‌کنندگان به اصول دیگر قانون اساسی نیز اشاره کردند اما در هنگام تصویب لایحه‌ای که شورای نگهبان ایراد گرفت و به مجمع تشخیص رفت در مجمع اساساً به این توجه نداشت که بر چه اساس این لایحه تنظیم شده است آیا بر اساس بند ۵ اصل ۱۵۶ تصویب شده یا براساس اصل سوم یا نوزدهم و سایر اصولی که به نوعی به پیشگیری اشاره دارند! در واقع مجمع به جای اینکه نقدهای اساتید را در تدوین لایحه به کار بگیرند اقدام به پاک کردن صورت مسئله نمودند. به دیگر سخن، این قانون از مقدمه توجیهی خالی است.

از نظر ایشان شاهکاری که در مجمع تشخیص مصلحت نظام اتفاق افتاد این بود که آقای محسن رضایی در مصاحبه خود می‌گویند ما احساس کردیم لایحه پیشگیری از جرم نیاز به تغییرات زیادی دارد؛ این احساس مسئولیت مجمع و متعاقباً درخواست از مقام معظم رهبری در این زمینه و اضافه کردن موادی غیر از مواد مجلس، صراحتاً خلاف اصل ۱۱۲ قانون اساسی است چراکه این اصل، صلاحیت مجمع را محدود

به مواردی نموده است و این امر خارج از حیطه آن است و همچنین در راستای سیاست‌های کلی نظام هم نیست؛ بنابراین مجمع اساساً فاقد صلاحیت است که موادی را به این لایحه اضافه کند.

به تعبیر آقای دکتر شیری این لایحه را در مجمع سلاخی کردند.

از نظر ایشان فرایند ۱۰ ساله تصویب این لایحه، در برخی زمینه‌ها حالت عقب‌گرد و در بعضی موارد سیر تکاملی داشته است که صحبت از آن فراتر از یک جلسه است از جمله مبنای تصویب این لایحه، بحثی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مبنای تصویب این لایحه بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی است یا اصول دیگر؟

اگر مبنا بند ۵ است که چرا وارد حوزه‌های دیگر پیشگیری شده است!

اگر مبنا سایر اصول است چرا اختیار به شورایی به ریاست قوه قضاییه واگذار شده است! این‌ها تناقضاتی است که بعید است به این سادگی تصویب‌کنندگان این متن بتوانند به آن پاسخگو باشند.

در متن لایحه اول، پیشگیری، انواع پیشگیری و مراجع آن به نحو دقیق‌تری تعریف شد و بین انواع پیشگیری انتظامی، اجتماعی (دولت)، قضایی تفکیک شده بود فارغ از انتقادات وارده به جزئیات آن مواد، رویکرد کلی رویکرد درستی بود و آن توجه به جامعیت پیشگیری بود.

اما مصوبه فعلی از نظر دکتر شیری در یک جمله، دارای هیچ‌گونه خاصیت و اثری نخواهد بود.

از نظر ایشان، وجود ۲۲ یا ۲۳ عضو شورای عالی قضایی که عصاره حاکمیت جمهوری اسلامی است؛ تشریفاتی است زیرا این مصوبات می‌بایست به امضای سران سه قوه برسد و هرکدام از این سران امضا نکند مصوبه لازم‌الاجرا نمی‌شود و این امر، عملاً حضور ۲۳ عضو یا بیشتر را بی‌معنا می‌کند. ایراد دیگر آن است که در صورت تعارض یکی از مصوبات با قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی چه کار باید کرد و اساساً چه نهادی می‌خواهد به این تعارض رسیدگی کند؟

در این لایحه برای اولین بار یک شورای عالی تشکیل شده است که رئیس‌جمهور به عنوان بالاترین مقام بعد از رهبری، جزء آن نیست و در واقع نمی‌توان صحبت از یک شورای عالی داشت که رئیس‌جمهور عضو آن نباشد.

*سخنان آقای دکتر فرجیها: حذف سازمان ملی پیشگیری از جرم، شوراها، استانی، شهرستانی و محلی عملاً پیشگیری از جرم را در ایران بلااثر خواهد کرد.

ایشان به عنوان مقدمه به مشروح مذاکرات خبرگان بررسی قانون اساسی در هنگام تصویب اصل ۱۵۶ اشاره نمودند و چنین بیان داشتند که از ابتدای تصویب، کار کارشناسی در مورد بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون

اساسی انجام نشده بود. ما شاهدیم که این بند ۵، دقیقاً ترجمه عنوان قبلی کنگره‌های پنج سالانه سازمان ملل متحد در حوزه پیشگیری از جرم است.

ایشان در ادامه چهار بعد پیشگیری از جرم را برشمردند: ۱- نظریه‌های ناظر به پیشگیری از جرم؛ ۲- برنامه‌های راجع به پیشگیری؛ ۳- ساختار پیشگیری از جرم و ۴- ارزیابی برنامه‌های پیشگیرانه.

ایشان در ادامه اظهار داشتند که کشورها در حوزه پیشگیری از جرم به ۲ دسته تقسیم می‌شوند: عده‌ای از آن‌ها رویکرد همه‌جانبه^۱ را در پیش گرفته‌اند که کشورهای نظیر کانادا از این دست هستند. در این کشورها شورای ملی پیشگیری از جرم تأسیس می‌شود و برخی از دیگر از آن‌ها رویکرد هدفمند^۲ را اتخاذ کرده‌اند که در این چارچوب تنها به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در قبال جرائم اولویت‌دار اقدام می‌شود.

آقای دکتر فرجیها به نقد این مسئله پرداختند که پس از سال‌ها از تصویب قانون اساسی، مسائل پیشگیری از جرم متولی ندارد؛

بعضی از حوزه‌های پیشگیری که سود و منفعت مالی دارد مانند قاچاق کالا و ارز ممکن است ده‌ها نهاد ادعا کنند که از وظایف آنان است؛ در بعضی دیگر از حوزه‌ها که آسیب اجتماعی وجود دارد مانند کارتن‌خواب‌ها، معتادان، مهاجران و... هر نهادی وظایف را به گردن نهاد دیگری محول می‌کند.

از نظر استاد فرجیها با توجه به اینکه در جرم‌شناسی می‌بایست به علل زیربنایی توجه شود بنابراین سطوح مختلف پیشگیری، مشارکت مردم و توجه به ساختار اجتماعی اهمیت دارد.

از نظر ایشان منظور خبرگان قانون اساسی این نبوده که قوه قضاییه کارهای اجرایی پیشگیری را انجام دهد بلکه با توجه به اینکه قوه قضاییه مجرمین را در اختیار داشته و خبرگان، با لحاظ این امر که زندان‌ها به عنوان درمانگاه جرم (به تعبیر جرم‌شناسی) در اختیار قوه قضاییه است بنابراین از قوه قضاییه به‌منظور مدیریت پیشگیری از جرم سخن به میان آورده‌اند.

ایشان در ادامه به بیان نقدهایی در زمینه قانون پیشگیری از جرم پرداختند.

ایشان به اولین ایراد شورای نگهبان که مشارکت نهادهای دیگر در پیشگیری مخالف قانون اساسی است؛ اشاره کردند به تعبیر دکتر فرجیها این ایراد، از جمله غیر علمی‌ترین و غیر کارشناسی‌ترین ایرادهای شورای نگهبان به لایحه است چرا که پیشگیری مگر غنیمت جنگی است که بگوییم تنها باید از آن قوه قضاییه باشد!

دو ایرادی که دکتر فرجیها از بین ایرادات وارده به قانون در جلسه بیان نمودند بدین شرح است.

1. Wholesale

2. Targeted

اولین و مهم‌ترین ایراد، عدم وجود شوراهای استانی، شهرستانی و محلی در لایحه است به نظر ایشان پیشگیری امری است که می‌بایست از پایین به بالا^۳ صورت بگیرد.

در واقع در امر پیشگیری می‌بایست به دغدغه‌های جامعه محلی توجه شود و به سراغ مردم رفت نه اینکه دولت بدون توجه به مسائل مردم، خود، تصمیم‌گیرنده باشد و موضوعی که در لایحه سابق وجود داشت اما در حال حاضر حذف شده است نهادهای حمایتی و اجتماعی مانند سازمان بهزیستی، شهرداری و حضور سه استاد دانشگاه بود که جای این نهادها در لایحه فعلی به عنوان عضو خالی است.

نکته دوم که بازهم باعث شد که لایحه از هدف اصلی خود فاصله بگیرد این است که شوراهای عالی، شورای سیاست‌گذاری به شمار می‌آیند بدین معنا که مدیران بخش‌های مختلف تصمیم می‌گیرند که چه چیزی باید در دستور کار قرار گیرد ما پیش‌بینی‌مان این بود که یک سازمانی با زیرمجموعه‌ای علمی و کارشناسی تصمیم می‌گیرند که به منظور پیشگیری از جرم چه چیزی باید در دستور کار قرار بگیرد اما این سازمان در قانون فعلی تا حد دبیرخانه تنزل پیدا کرده است و این سؤال مطرح می‌شود آیا وظایفی که در ماده ۳ مصوبه آمده است در سطح یک دبیرخانه قابل انجام است؟

بنابراین به طور خلاصه در مصوبه فعلی: ۱. ساختار محلی از بین رفت ۲. بدنه کارشناسی شورا که قرار بود به شورا خط دهد حذف گردید ۳. بودجه ملی پیش‌بینی شده در این مصوبه حذف شد و نمی‌توان از بودجه جاری، برنامه ملی اجرا کرد.

*در این جلسه سؤالاتی توسط دانشجویان مطرح شد و اساتید به آن پاسخ دادند.

سؤال ۱: در ماده ۶ این مصوبه یک وظیفه برای هریک از قوا پیش‌بینی شده است. ماهیت تصویب این ماده چیست و چه معنایی در سازوکار پیشگیری از جرم دارد؟

پاسخ دکتر شیرینی: ابتدا باید گفت که این قانون دیگر قانون پیشگیری نیست چرا که قانون پیشگیری جامع و شامل تعریف پیشگیری، انواع آن، اهداف و ارکان مشخص است، در حالی که این قانون، فاقد همه‌ی این موارد است؛ بنابراین نام این قانون باید قانون تشکیل وظایف شورای عالی پیشگیری از جرم باشد. یک شورایی که خودش مافوق قوا نیست نمی‌تواند ارکان قوای دیگر را مجبور به انجام کارهایی کند و وظایفی را به آنان محول کند.

ایشان پیش‌بینی کردند این ماده متروک خواهد ماند و مصوبات شورا اصلاً به تصویب نخواهد رسید.

سؤال ۲ پرسش از آقای دکتر شیرینی: آیا منظور بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی پیشگیری کیفری است؟

³. Down to up

پاسخ توسط دکتر شیری: اگرچه راجع به این بحث اختلاف نظر وجود دارد اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه این بند در بحث مربوط به اختیارات رئیس قوه قضاییه آمده است و با توجه به سایر اصول قانون اساسی که به پیشگیری رشدمدار اشاره نموده است، چرا که در اصول دیگر به کودکان بد سرپرست و... که مجرم نیستند اشاره شده است و این‌ها پیشگیری قضایی نیستند. اما در مورد بند ۵ چون وظایف قوه قضاییه مربوط به جرم است ایشان معتقدند که پیشگیری ذیل این اصل منحصرأ، مربوط به آن نوع از پیشگیری است که جز وظایف اختصاصی قوه قضاییه محسوب می‌شود. البته ما در اینجا باید بین بخش‌های مختلف پیشگیری، یک هارمونی و هماهنگی ایجاد کنیم؛ اما این هدف در مصوبه فعلی مجمع از میان رفت.

سؤال ۳. پرسش از آقای دکتر نجفی: چرا عضویت برخی از اشخاص مانند وزیر اقتصاد و دارایی را با توجه به وجود جرایم مربوط به مفاسد اقتصادی زائد می‌دانید؟

به نظر استاد نجفی اگرچه مفاسد اقتصادی وجود دارد لیکن شورا بنا بر داده‌ها و اطلاعاتی که نهادهای کارشناسی برای آن می‌فرستند اقدام به تعیین دستور جلسات می‌کند بر همین اساس حضور افرادی نظیر وزیر امور اقتصادی و دارایی به عنوان عضو ثابت ضرورتی ندارد چرا که شورا می‌تواند با توجه به تبصره ماده ۲ به تناسب موضوعات از این افراد دعوت به عمل آورد.

ایشان معتقدند که اگر اعضای شورای عالی پیشگیری را تک تک بررسی کنیم وجود بعضی از اعضا لازم، اما وجود برخی دیگر از اعضا غیرضروری است.

به‌عنوان مثال ایشان وجود وزیر اطلاعات را به عنوان عضو ثابت شورا ضروری نمی‌دانند چرا که معتقدند شورای عالی پیشگیری به بزهکاری و نحوه مقابله با آن می‌پردازد. اگرچه جرایمی نظیر تروریسم هم وجود دارد اما این جرایم مصادیق کمی دارند و بنابراین وجود این عضو ضروری نیست چرا که دبیر شورا با توجه به تبصره می‌تواند به مناسبت از این افراد دعوت به عمل آورد.

از نظر دکتر شیری در یک سری از جرایم مانند جاسوسی خصوصاً با توجه به الکترونیکی شدن اسناد، وجود نهادی مانند وزیر اطلاعات برای اینکه به‌طور فنی و تخصصی، شهروندان را در مراقبت از این جرایم توجیه کند ضروری به نظر می‌رسد.

از نظر دکتر شیری، علت وجود نایب‌رئیس مجلس در ماده ۲ نیز به این خاطر است که رئیس مجلس به عنوان رئیس یک قوه نمی‌تواند عضو این شورا باشد چراکه ریاست شورا بر عهده رئیس قوه قضاییه است و رئیس مجلس در اینجا، نمی‌تواند به عنوان زبردست رئیس قوه قضاییه باشد.

در تکمیل بحث ایشان آقای دکتر فرجیها نیز به این مسئله اشاره کردند اگرچه در تبصره حضور یک سری افراد پیش‌بینی شده است اما به این مسئله باید توجه کرد که این افراد بدون حق رأی می‌توانند در جلسات شرکت کنند.

در ادامه آقای دکتر نجفی حضور برخی نهادها نظیر نهادهای جامعوی، شهرداری، رئیس شوراهای اسلامی شهر و روستا، بهزیستی و حتی وزیر مسکن و شهرسازی را ضروری دانستند چرا که به نظر ایشان جرم در حال حاضر بیش از پیش یک مقوله شهری است و با نحوه معماری ارتباط تنگاتنگی دارد.

سؤال پایانی راجع به سرنوشت این قانون بود؛

اساتید حاضر در این نشست اعتقاد داشتند که از نظر جامعه‌شناسی کیفری به نظر می‌رسد این قانون، جزء قوانینی است که مرده متولد شده است چرا که از ابتدای امر یک نگاه کارشناسی جرم‌شناسانه نسبت به آن وجود نداشته است.

آقای دکتر فرجیها بیان داشتند که من نسبت به اجرای این قانون یک مقدار امیدوارم زیرا به هر حال اصل ۱۵۶ قانون اساسی همچنان پابرجاست. از طرف دیگر با توجه به جلسات چندساله معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان تهران با صنوف مختلف، مساجد و شوراها تجربیات ارزشمندی در این زمینه به وجود آمده است اما در عین حال معجزه‌ای که باید رخ دهد این است که دبیرخانه به سطح کارشناس ارتقا یابد.

پیشنهادی که آقای دکتر نجفی در جلسه ارائه دادند و بسیار جالب توجه بود:

ایشان با یادی از مرحوم دکتر کی‌نیا به یکی از دیباچه‌های ایشان در مقدمه کتاب «مبانی جرم‌شناسی» که در دهه ۱۳۷۰ شمسی نگاشته شده است اشاره کردند. مرحوم دکتر کی‌نیا در این مقدمه با عنوان «انسانم آرزوست»^۱ به برخی مسائل جرم‌شناسی می‌پردازند. استاد نجفی در ادامه بیان داشتند که من در حال حاضر یعنی سال ۱۳۹۴ می‌خواهم بگویم: «اخلاقم آرزوست». ما قبل از اینکه به پیشگیری و اجرای این قانون بپردازیم بایستی به فکر ایجاد یک مرکز مطالعات اخلاق اجتماعی باشیم، یک نهادی غیردولتی که منشأ بی‌اخلاقی‌ها و اعمال غیر مدنی را بررسی و واکاوی کند، نهادی که متشکل از دانشگاهیان و اساتید حوزوی باشد.

ایشان معتقدند ما در ایران می‌بایست «کمیسیون مطالعات اخلاق شهروندی به منظور احیاء اخلاق شهروندی» را تشکیل دهیم و به این مسئله بیندیشیم که چگونه می‌توان جامعه را از گرایش به سوی انحطاط اخلاقی و رفتار و گفتارهای غیر مدنی بازداشت و به سوی اخلاق شهروندی (اخلاق اجتماعی و اخلاق زیست‌مشارکت) و انجام تکالیف شهروندی سوق داد؛ زیرا رعایت اخلاق اجتماعی توسط شهروندان و مسئولان، خود می‌تواند به بخشی از راهکارهای مقابله با جرم تبدیل شود. حال آنکه به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر جامعه ما بیش از پیش از این جنبه پیشگیرانه، فاصله گرفته است.

۱. مرحوم استاد کی‌نیا نیز این عبارت را از: دیوان شمس، جزء اول، غزل ۴۴۱، بیت ۴۶۳۹ اقتباس کرده بودند:

«دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست»